DOI: *10.29252/rbs.18.1.142*

Journal of Research in Behavioral Sciences

Year 2020, Volume 18, Issue 1

Investigation of the Mediating Role of Self-Regulation in the Relationship between Parenting Styles and Social Participation of Adolescents

Mohammad Hadi Shahsavari[1], Zabih Pirani[2], Davood Taghvaee[3], Mansour Abdi[4]

1. PhD Student in Educational Psychology, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.
2. (Corresponding author)* Assistant Professor, Department of Psychology, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.
3. Associate Professor, Department of Psychology, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Psychology, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

Abstract

Aim and Background: Social participation is a psychological concept that is important in adolescents. By participating in social activities, a person can recognize his abilities and talents and reach maturity through gaining experience. The aim of this study was to investigate the mediating role of self-regulation in the relationship between parenting styles and adolescent social participation. The research method was fundamental in terms of purpose and correlational in terms of data collection method.

Methods and Materials: The statistical population included all adolescents in Arak who were studying in secondary schools. The sample consisted of 510 adolescents (255 boys and 255 girls) who were selected by cluster sampling method. Data collection tools were Bumrind parenting style questionnaire, Bogard et al.'s self-regulation questionnaire, and Branigan's eagerness to participate in social activities. Data analysis was performed using structural equation method with Smart PLS software.

Findings: The results showed that the direct effect of permissive parenting style on social participation and its indirect effect through self-regulated mediation (p<.05), the direct effect of authoritarian parenting style on social participation and its indirect effect through self-regulated mediation (p<.05), and finally the direct effect of authoritative parenting style on social participation and its indirect effect through self-regulatory mediation on social participation were confirmed (p<.05).

Conclusions: According to the findings, it can be said that self-regulation plays a significant mediating role in the relationship between parenting styles and adolescents' social participation.

Keywords: Self-regulation, parenting styles, social participation.

Citation: Shahsavari M.H, Pirani Z, Taghvaee D, Abdi M. **Investigation of the Mediating Role of Self-Regulation in the Relationship between Parenting Styles and Social Participation of Adolescents.** Res Behav Sci 2020; 18(1): 142-149.

*** Zabih Pirani,**
Email: z-pirani@iau-arak.ac.ir

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1399.18.1.4.4]
[DOI: 10.52547/rbs.18.1.14]

بررسی نقش میانجیگرانه خودتنظیمی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با اشتیاق به مشارکت اجتماعی

محمدهادی شهسواری[۱]، ذبیح پیرانی[۲]، داود تقوایی[۳]، منصور عبدی[۴]

۱- دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۲- (نویسنده مسئول) * استادیار، گروه روانشناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۳- دانشیار، گروه روانشناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۴- استادیار، گروه روانشناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مشارکت اجتماعی مفهومی روان‌شناختی است که در نوجوانان حائز اهمیت است. یک فرد با مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند توانایی‌ها و استعدادهای خود را بشناسد و با کسب تجربه به پختگی برسد. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش میانجیگرانه خودتنظیمی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با مشارکت اجتماعی نوجوانان بود. روش تحقیق ازنظر هدف، بنیادی و ازنظر روش گردآوری اطلاعات، همبستگی بود.

مواد و روش‌ها: جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان مدارس متوسطه دوم ناحیه یک شهر اراک در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بودند. نمونه پژوهش شامل ۵۱۰ نوجوان (۲۵۵ پسر و ۲۵۵ دختر) بود که به‌صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌های سبک فرزندپروری بامریند، خودتنظیمی بوگارد و همکاران و اشتیاق برای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی برانیگان بود. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با استفاده از روش معادلات ساختاری و نرم‌افزار Smart PLS انجام گرفت.

یافته‌ها: نشان داد که تأثیر مستقیم سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه بر مشارکت اجتماعی و تأثیر غیرمستقیم آن با میانجی‌گری خودتنظیمی ($p<۰/۰۵$)، تأثیر مستقیم سبک فرزندپروری استبدادی بر مشارکت اجتماعی و تأثیر غیرمستقیم آن با میانجی‌گری خودتنظیمی ($p<۰/۰۵$) و نهایتاً تأثیر مستقیم سبک فرزندپروری مقتدرانه بر مشارکت اجتماعی و تأثیر غیرمستقیم آن با میانجی‌گری خودتنظیمی بر مشارکت اجتماعی ($p<۰/۰۵$) تأیید شدند.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده می‌توان گفت خودتنظیمی نقش میانجی‌گرانه معنی‌داری در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با مشارکت اجتماعی نوجوانان ایفا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: خودتنظیمی، سبک فرزندپروری، مشارکت اجتماعی.

ارجاع: شهسواری محمدهادی، پیرانی ذبیح، تقوایی داود، عبدی منصور. **بررسی نقش میانجیگرانه خودتنظیمی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با اشتیاق به مشارکت اجتماعی.** مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۹؛ ۱۸(۱): ۱۴۹-۱۴۲.

*- ذبیح پیرانی

رایان نامه: z-pirani@iau-arak.ac.ir

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1399.18.1.4.4]

[DOI: 10.52547/rbs.18.1.14]

مقدمه

خودتنظیمی عبارت است از راهبردی فراشناختی که در قالب برنامه‌ریزی، نظارت و کنترل و انضباط، فرد را یاری می‌دهد تا به شناخت لازم از مفاهیم و پدیده‌ها دست یابد (۱). خودتنظیمی یکی از مؤلفه‌های یادگیری فراشناختی محسوب می‌شوند که فراگیر را در دست‌یابی به یادگیری معنایی و پایدار مدد می‌رساند (۲).

مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، سال‌هاست که موردتوجه پژوهشگران بوده است و در این میان، رویکردهای مختلفی به‌منظور بررسی عوامل تعیین‌کننده‌ی مشارکت و رشد اجتماعی انتخاب‌شده است. در رویکرد نخست، تأثیر فرآیندهای محیط خانوادگی بر مشارکت اجتماعی مطرح است و در رویکرد دوم از فرآیندهای یادگیری خاص دانش‌آموزان نظیر خودتنظیمی و خودکارآمدی سخن به میان می‌آید. نظریه خودتنظیمی به این نکته توجه می‌کند که چگونه دانش‌آموزان شخصاً فرآیند یادگیری خود را فعال کرده، تغییر می‌دهند و یا آن را حفظ می‌کنند. خودتنظیمی، توانایی کودک در کسب کنترل کارکردهای بدنی، مدیریت هیجان‌ها و حفظ توجه و تمرکز هست. رشد خودتنظیمی، اساس رشد کودک بوده، در تمام جنبه‌های رفتار او نمایان است (۳). اجتماعی شدن به رشد خودتنظیمی هیجان، تفکر و رفتار می‌انجامد. پیروی از معیارهای فرهنگی، گرایش‌ها و ارزش‌های مطلوب جامعه را فراهم و موجب کسب مهارت‌های نقش‌پذیری، راهبردهای حل تعارض و توجه به روابط می‌شود (۴).

مشارکت اجتماعی فرزندان به شیوه تعامل والدین با آن‌ها بستگی دارد، والدین می‌توانند فرزندان را با شیوه‌های پذیرفته‌شده و تائید شده زندگی سازمان‌یافته اجتماعی سازگار کنند و همچنین استعدادها، مطلوبیت‌های اجتماعی و خصوصاً نقش‌های اجتماعی که آنان باید در جامعه ایفا کنند را به آن‌ها بیاموزند (۵). خانواده به‌عنوان نهادی بنیادین در تربیت کودکان نقشی بسیار مهم ایفا می‌کند. در این راستا والدین مسئولیتی خطیر برعهده دارند. آنچه به‌عنوان فرزندپروری از آن یاد می‌شود دلالت بر روش تربیتی والدین دارد (۶). یکی از پیامدهای سبک فرزندپروری، جامعه‌پذیری و مشارکت اجتماعی فرزندان است (۷, ۸).

خانواده نخستین بافت مؤثر و فراگیر برای اجتماعی شدن است (۹). بر مبنای دو رویکرد، موضوع اثر تعاملات والد- فرزندی بر اجتماعی شدن فرزندان بررسی‌شده است: یکی از رویکرد سنخ شناسی استفاده می‌کند و سبک‌های فرزندپروری را موردمطالعه قرار می‌دهد، دیگری رویکرد تعامل اجتماعی را به کار می‌برد و بر ماهیت تعاملات درونی میان والد و کودک می‌پردازد (۱۰).

مطالعات نشان داده است سبک فرزندپروری والدین، قابل‌شناسایی و طبقه‌بندی بوده است. این سبک‌ها عبارت‌اند از: مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه. هر یک از این سبک‌ها دارای نشانه‌ها، پیامدها و الزاماتی است که توسط پژوهشگران تبیین و تشریح گردیده است (۱۱).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سبک مقتدرانه در مقایسه با سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه با دامنه‌ای گسترده از دستاوردها در نوجوانان همراه است. سبک مقتدرانه با سلامت روان (۱۲) پیشرفت تحصیلی (۱۳)، خودتنظیمی و خودکنترلی بالاتر (۱۴)، رشد مثبت اجتماعی-روانی (۱۳)، عزت‌نفس بالاتر (۱۵)، شایستگی بیشتر اجتماعی و شناختی (۱۶) همراه است.

این سبک‌ها ممکن است دارای نقش حمایتی یا غیر حمایتی برای فرزندان باشد. در بخش حمایتی این احتمال وجود دارد که فرزندان به ویژگی‌های مثبتی چون خودتنظیمی، خودکارآمدی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت‌جویی نائل شوند (۱۷) و در بخش غیر حمایتی ممکن است فرزندان به ویژگی‌هایی چون انواع آسیب‌های اجتماعی، بی‌هویتی، انزواطلبی و رفتارهای خشونت-آمیز دست یابند (۱۸). با مشارکت اجتماعی ارزش‌های اجتماعی درونی شده و منجر به رشد خودتنظیمی کودکان و نوجوانان می‌گردد (۱۹).

با توجه به مطالب عنوان‌شده، سبک فرزندپروری والدین از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی دانش آموزان است. از طرفی نیز خودتنظیمی منجر به رشد مشارکت اجتماعی می‌گردد. لذا سؤال پژوهش این است که آیا سبک‌های فرزندپروری باعث افزایش خودتنظیمی شده و از طریق افزایش خودتنظیمی منجر به افزایش مشارکت اجتماعی در نوجوانان می‌شود؟ بنابراین هدف پژوهش بررسی نقش میانجی‌گرانه خودتنظیمی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با مشارکت اجتماعی است.

مواد و روش‌ها

این تحقیق ازنظر هدف، بنیادی و ازنظر روش گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان متوسطه دوم ناحیه یک آموزش‌وپرورش

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1399.18.1.4.4]
[DOI: 10.52547/rbs.18.1.14]

شهر اراک در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود. با توجه به تعداد سؤالات پرسشنامه و بر اساس فرمول کوکران، حجم نمونه پژوهش حاضر را ۵۱۰ نفر دانش‌آموز (۲۵۵ پسر و ۲۵۵ دختر) تشکیل داد. جهت انتخاب نمونه پژوهش، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌ای ساده استفاده شد. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با استفاده از روش معادلات ساختاری و نرم‌افزار Smart PLS انجام شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار ذیل استفاده شد.

الف) پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند: این پرسشنامه در سال ۱۹۷۲ توسط بامریند ساخته شد. این مقیاس شامل ۳۰ سوال است که برای ارزیابی هر یک از سه سبک سهل‌گیر، استبدادی و اقتدارگرایانه والدین در امر پرورش فرزند تهیه و به هر سبک، ۱۰ ماده اختصاص داده‌شده است. مقیاس نمره‌گذاری به شیوه ۵ گزینه‌ای لیکرت است. این پرسشنامه را در ایران اسفندیاری در سال ۱۳۸۳ هنجاریابی کرد. روایی این مقیاس به شیوه روایی محتوا توسط متخصصین تأیید شد. پایایی این مقیاس نیز به شیوه همسانی درونی سؤالات به روش ضریب آلفای کرانباخ برای سبک‌های فرزندپروری سهل-گیر، مقتدرانه و استبدادی به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۷۳ و ۰/۷۷ به دست آمد (۲۰).

ب) پرسشنامه خودتنظیمی بوگارد: پرسشنامه بوگارد و همکاران (۱۹۹۵) ابزاری است برای سنجش خودتنظیمی که بر اساس نظریه شناختی اجتماعی بندورا طراحی‌شده است و مشتمل بر ۱۴ سؤال است که در مقیاس لیکرت بوده و دو عامل راهبردهای شناختی و فراشناختی را می‌سنجد (۲۱). روایی سازه این پرسشنامه با بهره‌گیری از ضرایب همبستگی و تحلیل عوامل و همبستگی تفکیکی میان سؤالات پرسشنامه در حد مطلوب گزارش‌شده و ضریب آلفای کرونباخ برای سنجش همسانی درونی ۰/۸۰ بوده است (۲۱).

ج) پرسشنامه اشتیاق برای مشارکت در فعالیت-های اجتماعی: این پرسشنامه توسط برانیگان در سال ۱۹۹۹ تدوین شد (۲۲). این مقیاس دارای ۱۲ سؤال است که میزان تمایل فرد برای شرکت در فعالیت‌ها و مراسم مختلف و همچنین گرایش به وارد شدن در مکان‌ها و اجتماعات را می‌سنجد. سؤالات روی مقیاس لیکرت ۵ ارزشی (هرگز، تاحدی، تقریباً، زیاد، خیلی زیاد) نمره‌گذاری می‌شوند همه سؤالات به‌صورت مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند و نمره‌گذاری معکوس وجود ندارد. ضریب پایایی باز آزمایی این آزمون پس از ۶ هفته توسط سازندگان (۰/۸۴) و ضریب همبستگی آن با پرسشنامه اشتیاق برای برقراری رابطه (۰/۷۸) گزارش‌شده است که روایی هم‌زمان این پرسشنامه را نشان می‌دهد. در پژوهش برجعلی (۲۳) ضریب آلفا برای این پرسشنامه (۰/۸۱) به‌دست‌آمده است که بیانگر ضریب همسانی درونی قابل‌قبول این پرسشنامه است.

یافته‌ها

میانگین دانش آموزان موردمطالعه ازنظر جنسیت، ۵۱۰ نمونه (۲۵۵ نفر دختر و ۲۵۵ نفر پسر) می‌باشد. در زمینه میانگین پایه تحصیلی نیز از بین ۵۱۰ نمونه موردمطالعه (۱۷۰ نفر پایه دهم، ۱۷۰ نفر پایه یازدهم و ۱۷۰ نفر پایه دوازدهم) مشغول به تحصیل بودند.

برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار SmartPLS استفاده شد. برای ارزیابی برازش مدل مفهومی تحقیق، برازش مدل اندازه‌گیری، برازش مدل ساختاری و برازش کلی بررسی شد. برازش الگو در دو بخش الگوهای اندازه‌گیری و برازش الگوی ساختاری صورت گرفت و در بخش ساختاری شاخص‌های آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، روایی هم گرا و روایی واگرا بررسی شدند. مقدار آلفای کرونباخ در متغیر سهل‌گیرانه ۰/۸۰، استبدادی ۰/۸۴، مقتدرانه ۰/۸۱، خودتنظیمی ۰/۸۷ و مشارکت اجتماعی ۰/۸۷ به دست آمد که در همه عامل‌ها بیش از ۰/۷۰ می‌باشد. در محاسبه ضریب پایایی ترکیبی، شاخص‌های دارای بار عاملی بیشتر، اهمیت بیشتری دارند، لذا این شاخص، مناسب‌تر از آلفاست. در این پژوهش، مقدار ضریب پایایی ترکیبی در متغیر سهل گیرانه ۰/۸۵، استبدادی ۰/۸۸، مقتدرانه ۰/۸۶، خودتنظیمی ۰/۹۰ و مشارکت اجتماعی ۰/۸۹ به دست آمد. روایی همگرا سومین معیاری است که برای برازش الگوهای اندازه‌گیری در روش حداقل مربعات جزئی به کار می‌رود. این معیار، نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته‌شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است. هر چه این شاخص بیشتر باشد، همبستگی، بیشتر و درنتیجه برازش، بیشتر است. در این پژوهش، مقدار روایی همگرا برای متغیر سهل گیرانه ۰/۴۲، استبدادی ۰/۵۱، مقتدرانه ۰/۵۲، خودتنظیمی ۰/۵۰ و مشارکت اجتماعی ۰/۴۴ به دست آمد.

روایی واگرا به روش فورنل و لارکر چهارمین معیار سنجش برازش الگوهای اندازه‌گیری است. در روش فورنل و لارکر میزان رابطه یک سازه با شاخص‌هایش در مقایسه با رابطه آن سازه با

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1399.18.1.4.4]
[DOI: 10.52547/rbs.18.1.14]

سایر سازه‌هاست. جدول ۱ میزان همبستگی‌ها و پذیرفتنی بودن این شاخص را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نتایج بررسی روایی واگرا به روش فورنل و لارکر

متغیرهای پژوهش	استبدادی	مقتدرانه	خودتنظیمی	خودکارآمدی	سهل گیرانه	مشارکت اجتماعی
استبدادی	۰/۷۱					
مقتدرانه	-۰/۸۲	۰/۷۱				
خودتنظیمی	-۰/۸۶	۰/۸۶	۰/۷۱			
سهل گیرانه	۰/۸۹	-۰/۸۰	-۰/۸۶	۰/۶۵		
مشارکت اجتماعی	-۰/۸۹	۰/۸۷	۰/۹۲	-۰/۸۹	۰/۶۶	۱

همانطو که جدول ۱ نشان داده‌شده است، در بخش اندازه‌گیری، تمام معیارها در حد قابل‌پذیرش هستند و این به آن معناست که روابط مناسبی بین سازه‌ها و شاخص‌های آن‌ها تعریف‌شده است. در بخش ساختاری الگو برای ارزیابی برازش الگو شاخص‌های ضرایب معنی‌داری مسیر، ضریب تعیین و شاخص افزونگی بررسی شدند. درصورتی‌که این مقدار بیش از ۱/۹۶ باشد، نشان از صحت رابطه بین سازه‌ها و تأیید رابطه بین دو سازه در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. جدول ۲ مقادیر بارهای عاملی استانداردشده و مقدار t بین متغیرهای مکنون را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ضرایب بار عاملی استانداردشده و مقدار t بین متغیرهای مکنون

درون‌زا	برون‌زا	ضریب مسیر	t
سهل‌گیر	خودتنظیمی	-۰/۳۳۰	۳/۲۲
سهل‌گیر	مشارکت اجتماعی	-۰/۲۱۵	۲/۹۷۳
استبدادی	خودتنظیمی	-۰/۲۴۱	۲/۱۴۲
استبدادی	مشارکت اجتماعی	-۰/۱۹۱	۲/۳۱۷
مقتدرانه	خودتنظیمی	۰/۳۹۸	۴/۴۴۳
مقتدرانه	مشارکت اجتماعی	۰/۲۱۲	۳/۳۲۵
خودتنظیمی	مشارکت اجتماعی	۰/۳۹۱	۴/۶۶۰

جدول ۳. اثرات مستقیم و غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری بر مشارکت اجتماعی با میانجی‌گری خودتنظیمی

مسیر متغیرها	تأثیر مستقیم	آماره t	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر کل	بوت استراپ	حد پایین	حد بالا
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مشارکت اجتماعی	-۰/۲۱۵	۱/۹۶<۲/۹۷۳	(۰/۹۳۱)×(-۰/۳۳۰)= -۰/۳۰۷	-۰/۵۲۲			
سبک فرزندپروری سهل گیرانه و خودتنظیمی	-۰/۳۳۰	۱/۹۶<۳/۲۱۸	-	-	۰/۰۶۹۵	۱/۱۶۸۰ -	۰/۸۹۲۹ -
خودتنظیمی، مشارکت اجتماعی	۰/۹۳۱	۱/۹۶<۴/۶۶۰	-	-			
سبک فرزندپروری استبدادی و مشارکت اجتماعی	-۰/۱۹۱	۱/۹۶<۲/۳۱۷	(۰/۳۹۱)×(-۰/۲۴۱)= -۰/۱۵۰	-۰/۲۰۶			
سبک فرزندپروری استبدادی و خودتنظیمی	-۰/۲۴۱	۱/۹۶<۴/۴۴۳	-	-	۰/۰۵۹۲	۱/۰۱۵۸ -	۰/۷۸۳۹ -
خودتنظیمی، مشارکت اجتماعی	۰/۳۹۱	۱/۹۶<۴/۶۶۰	-	-			
سبک فرزندپروری مقتدرانه و مشارکت اجتماعی	۰/۲۱۲	۱/۹۶<۳/۳۲۵	(۰/۳۹۱)×(۰/۳۹۸)= ۰/۳۶۲	۰/۷۵۳			
سبک فرزندپروری مقتدرانه وخودتنظیمی	۰/۳۹۸	۱/۹۶<۴/۴۴۳	-	-	۰/۸۶۸	۱/۳۲۹۴	۱/۶۷۰۸
خودتنظیمی و مشارکت اجتماعی	۰/۳۹۱	۱/۹۶<۴/۶۶۰	-	-			

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1399.18.1.4.4]
[DOI: 10.52547/rbs.18.1.14]

همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده‌شده است، تأثیر مستقیم سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه بر مشارکت اجتماعی با میزان ضریب ۰/۲۱۵- و تأثیر غیرمستقیم آن با میانجی‌گری خودتنظیمی با میزان ضریب ۰/۳۰۷- تأیید شد و تأثیر کل آن ۰/۵۲۲- می‌باشد. همچنین آزمون بوت استراپ به دلیل قرار نگرفتن صفر در فاصله اطمینان، تأثیر سبک فرزندپروری سهل گیرانه با میانجی‌گری خودتنظیمی بر مشارکت اجتماعی را تأیید کرد. ضمن اینکه علامت منفی بیانگر این است که با افزایش سبک فرزندپروری سهل گیرانه باوجود میانجی‌گری خودتنظیمی، مشارکت اجتماعی دانش آموزان کاهش می‌یابد. همچنین تأثیر مستقیم سبک فرزندپروری استبدادی بر مشارکت اجتماعی با میزان ضریب ۰/۱۹۱- و تأثیر غیرمستقیم آن با میانجی‌گری خودتنظیمی با ضریب ۰/۱۵۰- تأیید شد و تأثیر کل آن ۰/۲۰۶- می‌باشد. آزمون بوت استراپ نیز به دلیل قرار نگرفتن صفر در فاصله اطمینان تأثیر سبک فرزندپروری استبدادی با میانجی‌گری خودتنظیمی بر مشارکت اجتماعی تأیید شد. ضمن اینکه علامت منفی بیانگر این است که با افزایش سبک فرزندپروری استبدادی باوجود میانجی‌گری خودتنظیمی مشارکت اجتماعی دانش آموزان کاهش می‌یابد. درنهایت نیز، تأثیر مستقیم سبک فرزندپروری مقتدرانه بر مشارکت اجتماعی ۰/۲۱۲ و میزان تأثیر غیرمستقیم سبک فرزندپروری مقتدرانه با میانجی‌گری خودتنظیمی بر مشارکت اجتماعی ۰/۳۶۲ تأیید شد و تأثیر کل آن ۰/۷۵۳ می‌باشد. طبق آزمون بوت استراپ به دلیل قرار نگرفتن صفر در فاصله اطمینان تأثیر سبک فرزندپروری مقتدرانه با میانجی‌گری خودتنظیمی بر مشارکت اجتماعی تأیید شد. ضمن اینکه علامت مثبت بیانگر این است که با افزایش سبک فرزندپروری مقتدرانه با میانجی‌گری خودتنظیمی، مشارکت اجتماعی دانش آموزان افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی‌گری خودتنظیمی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با مشارکت اجتماعی نوجوانان بود. نتایج نشان داد که تأثیر سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه، مقتدرانه و استبدادی با میانجی‌گری خودتنظیمی بر مشارکت اجتماعی مورد تأیید قرار گرفت. نتایج به‌دست‌آمده از این فرضیه همسو با نتایج رن (۲۴)، جیتاسنو (۲۵)، لی و ژی (۲۶)، نیومن (۲۷)، تو (۱۵)، زینلی (۱۸) و ژانگ و دیگران (۱۲) می‌باشد. برابر آنچه تا بدین جا نقل شد و با توجه به نتایج تحقیق حاضر و پژوهش‌های پیشین، می‌توان گفت چنانچه رفتار والدین بر روی دانش‌آموزان متوسطه بر اساس عدم کنترل آن‌ها، توقع نداشتن و صمیمی بودن با فرزندان باشد و اگر والدین در برخورد با بدرفتاری‌های فرزندان، منفعل باشند، انتظار رفتار عاقلانه از آن‌ها نداشته باشند و آن‌ها را مستقل بار نیاورند و کمتر به هدایت کودک بپردازند به‌طور مستقیم تأثیر چندانی بر مشارکت و حضور و فعالیت‌های اجتماعی فرزندان نخواهد داشت؛ اما به‌واسطه تأثیری که در توانایی فرزندان در شناخت مفاهیم و پدیده‌ها می‌نهد باعث خواهد شد تا فعالیت‌های اجتماعی و میزان شرکت کردن دانش‌آموزان متوسطه در گروه‌های اجتماعی کاهش یابد. از طرفی اگر سبک فرزندپروری اعمال‌شده توسط والدین روی دانش‌آموزان متوسطه بر اساس اعمال قوانین و مقررات خاص و باب میل والدین باشد و از فرزندان انتظار پذیرش حتمی این قوانین را داشته باشند و هیچ توضیحی به فرزندان ندهند و اقتدار منطقی جای خود را به استبداد در خانه بدهد، به‌طور مستقیم تأثیر چندانی بر مشارکت اجتماعی فرزندان نخواهد داشت اما به‌واسطه تأثیری که در توانایی فرزندان در شناخت مفاهیم و پدیده‌ها می‌نهد باعث خواهد شد تا فعالیت‌های اجتماعی و میزان شرکت کردن دانش‌آموزان متوسطه در گروه‌های اجتماعی موجود در محله، شهر یا مدرسه کاهش یابد.

درنهایت، باید گفت همان‌طور که پژوهش‌های پیشین نیز عنوان کرده‌اند، سبک فرزندپروری مقتدرانه منطقی سبکی است که با سلامت روان (۱۲) پیشرفت تحصیلی (۱۳)، خودتنظیمی و خودکنترلی بالاتر (۱۴)، رشد مثبت اجتماعی-روانی (۱۳)، عزت‌نفس بالاتر (۱۵)، شایستگی بیشتر اجتماعی و شناختی (۱۶) همراه است. ازاین‌رو، چنانچه سبک فرزندپروری اعمال‌شده توسط والدین به‌گونه‌ای باشد که هیچ برتری بین دو طرف وجود نداشته باشد، پاسخ‌های عاطفی و توقعات و انتظارات والدین بالا و منطقی باشد، محدودیت‌های اعمال‌شده روشن و واضح و همراه با نظم و انضباط و عادلانه باشد. در فرزند حس دلگرمی ایجادشده و فرزند حس حمایت را احساس می‌کند. احتمالاً این سبک باعث خواهد شد تا مشارکت اجتماعی فرزندان بیشتر شود و همچنین به‌واسطه تأثیر مثبتی که این نوع سبک در توانایی فرزندان در شناخت مفاهیم و پدیده‌ها می‌نهد باعث افزایش فعالیت‌های مفید اجتماعی و اشتیاق به مشارکت در فعالیت‌های مفید اجتماعی شده و یک شبکه روابط اجتماعی خوب را تشکیل

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1399.18.1.4.4]
[DOI: 10.52547/rbs.18.1.14]

می‌دهد که باعث افزایش میـزان دریافـت حمایـت اجتمـاعی از اطرافیان می‌گردد. ازاین‌رو، با توجه به یافته‌های به نظر می‌رسـد خودتنظیمی نقش میانجی‌گرانه معنی‌داری در رابطه بین سـبک-های فرزندپروری با مشارکت اجتماعی نوجوانان ایفا می‌کند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر، عدم نظرسنجی از والـدین در مورد شیوه‌های فرزندپروری و انطباق آن با نظـرات فرزنـدان بوده است. پیشنهاد می‌شود مطالعات بیشتری برای بررسی اثرات سبک فرزندپروری والدین بر فرزندان سنین مختلـف در مراحـل گوناگون رشد و برای موقعیت‌های هیجانی و اجتماعی گونـاگون و همچنین تأثیر سبک فرزندپروری در خـانواده‌هـای تـک والـد، خانواده دوم، میـان فرهنگـی و ویژگـی‌هـای قـومی و فرهنگـی متفاوت انجام شود. اغلب پژوهش‌هـای انجـام‌شـده در زمینـه‌ی اثرات فرزندپروری بر رشد فرزندان با بهـره‌گیـری از پرسشـنامه صورت گرفته است. پیشنهاد می‌شود از روش‌هـای مشـاهده‌ای، مصاحبه و تحقیقات طولی نیز استفاده شود.

تقدیر و تشکر

بدین‌وسیله از تمامی مسئولین محترم آموزش‌وپرورش شهر اراک و تمام دانش‌آموزانی که ما را در انجام این پژوهش یاری دادنـد، تقدیر و تشکر می‌کنیم. مقاله حاضر برگرفتـه از رسـاله دکتـرای نویسنده اول می‌باشد.

References

1. Reeve J. Understanding motivation and emotion. Hoboken, New Jersey: John Wiley & Sons; 2014.
2. Boekaerts M, Pintrich PR, Zeidner M. Handbook of Self-Regulation. New York: Elsevier; 2005.
3. Phillips DA, Shonkoff JP. From neurons to neighborhoods: The science of early childhood development. Washington, D.C., United States: National Academies Press; 2000.
4. Grusec JE. Parental socialization and children's acquisition of values. In: Bornstein MH, editor. Handbook of Parenting: Practical Issues in Parenting. 5. New Jersey, United States: Lawrence Erlbaum Associates Publishers; 2002. p. 143-67.
5. Kazdin AE, Glick A, Pope J, Kaptchuk TJ, Lecza B, Carrubba E, et al. Parent management training for conduct problems in children: Enhancing treatment to improve therapeutic change. International Journal of Clinical and Health Psychology. 2018;18(2):91-101.
6. Larzelere RE, Morris ASE, Harrist AW. Authoritative parenting: Synthesizing nurturance and discipline for optimal child development: American Psychological Association; 2013.
7. Chao RK. The parenting of immigrant Chinese and European American mothers: Relations between parenting styles, socialization goals, and parental practices. Journal of Applied Developmental Psychology. 2000;21(2):233-48.
8. Grusec JE. Principles of effective parenting: How socialization works. New York: Guilford Publications; 2019.
9. Wang Y, Benner AD. Cultural socialization across contexts: Family–peer congruence and adolescent well-being. Journal of youth and adolescence. 2016;45(3):594-611.
10. Parke RD, Buriel R. Socialization in the family: Ethnic and ecological perspectives. In: Damon W, Lerner RM, Eisenberg N, editors. Handbook of Child Psychology, Social, Emotional, and Personality Development. 3. 6th ed. Hoboken, New Jersey: Wiley; 2006. p. 429-504.
11. Minaei A, Nikzad S. The factor structure and validity of the Persian version of the Baumrind parenting style inventory. Journal of Family Research. 2017;13(1):92-108.
12. Zhong X, Wu D, Nie X, Xia J, Li M, Lei F, et al. Parenting style, resilience, and mental health of community-dwelling elderly adults in China. BMC geriatrics. 2016;16(1):135.
13. Kim Y, Calzada EJ, Barajas-Gonzalez RG, Huang K-Y, Brotman LM, Castro A, et al. The role of authoritative and authoritarian parenting in the early academic achievement of Latino students. Journal of Educational Psychology. 2018;110(1):119.
14. Shen JJ, Cheah CS, Yu J. Asian American and European American emerging adults' perceived parenting styles and self-regulation ability. Asian American Journal of Psychology. 2018;9(2):140-8.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1399.18.1.4.4]
[DOI: 10.52547/rbs.18.1.14]

15. To Sm. Parental self-esteem, parent–child relationships, and authoritative parenting of Chinese migrant parents of left-behind children: Implications for social policy and services. Asian Social Work and Policy Review. 2018;12(3):183-90.
16. Ren H, Cheah CS, Sang B, Liu J. Maternal Attribution and Chinese Immigrant Children's Social Skills: The Mediating Role of Authoritative Parenting Practices. Parenting. 2019:1-11.
17. Lafreniere K, Menna R, Cramer KM. Rebelliousness, effortful control, and risky behavior: Metamotivational and temperamental predictors of risk-taking in older adolescents. Journal of Motivation, Emotion, and Personality. 2013;1:17-26.
18. Zeinali A, Sharifi H, Enayati M, Asgari P, Pasha G. The mediational pathway among parenting styles, attachment styles and self-regulation with addiction susceptibility of adolescents. Journal of research in medical sciences: the official journal of Isfahan University of Medical Sciences. 2011;16(9):1105-21.
19. Abar B, Carter KL, Winsler A. The effects of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, and risk behavior among African-American parochial college students. Journal of adolescence. 2009;32(2):259-73.
20. Rayisi A. The Study of Relationship Between Parenting Styles With Mental Health of High School Female Students in Esfahan. Isfahan: University of Isfahan.; 2004. [In Persian].
21. Kadivar P. The role of self-efficacy, self-governance and intelligence beliefs in the academic achievement of high school students. Journal of Education and Psychology. 2001;10(1-2):45-58. [In Persian].
22. Brannigan GG. Experiencing Psychology: Active Learning Adventures. Pennsylvania Prentice Hall; 1999.
23. Borjali A. Investigating the effect of adjustment and parenting patterns of parents on psychosocial development of high school students in Tehran. Tehran: Allameh Tabataba'i University; 1999.
24. Ren L, Pope Edwards C. Pathways of influence: Chinese parents' expectations, parenting styles, and child social competence. Early Child Development and Care. 2015;185(4):614-30.
25. Jittaseno P, Varma P. Influence of parenting styles on self-regulated learning behavior mediated by self-efficacy and intrinsic value. Scholar: Human Sciences. 2017;8(2):44-64.
26. Li X, Xie J. Parenting styles of Chinese families and children's social-emotional and cognitive developmental outcomes. European Early Childhood Education Research Journal. 2017;25(4):637-50.
27. Newman M. The Relationship between Parenting Style and Self-Regulation in Early Childhood. 2017.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1399.18.1.4.4]
[DOI: 10.52547/rbs.18.1.14]